

مدت مدیدی است که این موضوع (فقه مقارن) مطرح بوده است و آیت‌الله مکارم شیرازی پیگیر تدوین یک دایرةالمعارف فقه مقارن بودند و علاوه بر این، برخی از علما و مراجع بزرگ قم هم این پیشنهاد را به آقای مکارم داده بودند. بنابراین، عده‌ای از اساتید و نویسندگان از قم دعوت شدند و هسته اولیه این کار تشکیل شد تا اینکه در تیرماه سال ۸۱ اولین جلسه با حضور آقای مکارم و نویسندگان برگزار شد. بدین ترتیب کار آغاز شد و آقای مکارم، حدود بیست عنوان که این عناوین به عنوان مقدمه و مبانی مجلدات بعدی محسوب می‌گردد را برای جلد اول تعیین کردند.

این بیست عنوان در جلد اول مورد بحث قرار گرفت. سرفصلها هم توسط ایشان مشخص گردید و در جلساتی که با نویسندگان و مدرسین داشتیم، این سرفصلها مورد بحث قرار می‌گرفت و پس از اصلاح و مشخص شدن دقیق سرفصلها، هر کدام از نویسندگان موظف به بررسی و تحقیق درباره یکی از سرفصلها می‌گردید و بعد از آن، یک فهرست اجمالی تهیه می‌شد و دوباره در جلسه، بررسی می‌گردید. پس از بررسی این فهرست توسط آقای مکارم نویسندگان در صدد نوشتن مقاله برمی‌آمدند و پس از نوشته شدن، مقاله در دو مرحله ارزیابی می‌شد: یک مرحله در هیئت ارزیابی که متشکل از بنده، جناب آقای احمد قدسی و جناب آقای قوامی بود و بعد از ارزیابی اولیه آقای مکارم، به مطالعه و بررسی تمام مقالات می‌پرداختند و اصلاحات لازم را انجام می‌دادند و سپس مقاله ویراستاری می‌گردید و بعد از ویراستاری بازهم یکبار دیگر مقاله بررسی می‌گردید تا نواقص آن برطرف گردد.

نوشتن جلد اول دایره المعارف چهارسال به طول انجامید. البته این مدت زمان، برای جلد اول دایرةالمعارف زمان معمولی است، حتی با توجه به مشکلاتی که وجود داشت اعم از تازگی کار، نبود منابع و... این مدت زمان رکورد خوبی بود.

برخی از نویسندگان نیز دستیار تحقیق هم داشتند، که یک مرحله از کار هم مربوط به جلسه دستیاران با خود نویسندگان می‌شد. لذا پانزده نفر نویسنده، هفت نفر دستیار، یک نفر ویراستار، هیئت ارزیابی و آیت‌الله مکارم شیرازی در این پروژه همکاری داشتند. اما اهداف این امر، به طور خلاصه عبارتست از:

هدف اول:

اثبات برتری فقه اسلامی بر قوانین وضعی و مذهب یهودیان و نصرانیان. در ارتباط با این

موضوع نه تنها مقایسه‌ای بین مذاهب مختلف صورت گرفته است؛ بلکه قصد داریم تا به بررسی حقوقهای وضعی (بین‌المللی) و مذهب یهود و نصاری، هم در بخشهای فقه و قانون بپردازیم. اگر چه ما هنوز نتوانستیم اساتیدی که بتوانند به طور تطبیقی به بررسی مسائل مربوط در زمینه یهود و نصارا بپردازند، بیابیم. در همین بخش است که معتقدیم: فقه اسلامی بر سایر مذاهب برتری دارد و در ارتباط با این موضوع، جناب آقای دکتر بی‌آزار شیرازی نیز مقاله‌ای به نام جایگاه فقه اسلامی در صحنه بین‌المللی که شامل اعتقادات مذاهب فقهی با یکدیگر است برای ما ارسال نموده اند که در آن به ذکر مثالهایی پرداخته اند که در دنیای جدید، حقوق اسلامی و فقه اسلامی جایگزین حقوق مدرن کشورها گردیده است.

بنابراین معتقدیم با توجه به اینکه فقه اسلامی انعکاسی از برتری خالق عقل بر عقل است، اما حقوق وضعی فقط براساس عقل و خرد نوشته می‌شود و با توجه به اینکه در علم کلام ثابت شده است که خرد و عقل به تنهایی برای هدایت بشر کافی نیست. پس باید حتما وحی هم باشد بنابراین، فقهی که ریشه وحیانی داشته باشد بالتبع برتریهایی نیز نسبت به حقوق وضعی خواهد داشت.

هدف دوم:

اثبات هماهنگی فقه اسلامی با فطرت انسان که ما این را ادعا کردیم و پیگیری هم خواهیم کرد؛ البته کلیات فقه نه جزئیات. ناگفته نماند جزئیاتی که در لابلای کلیات هم ذکر گردد، همین گونه است. کلیات فقه، همان طور که در قسمت عقائد و اخلاق معتقدیم که آنچه را که اسلام عرضه کرده، مطابق با فطرت انسانی است در بخش فقه هم همین‌طور هست و اعتقاد ما بر این است که اگر فقه ما به درستی معرفی گردد و نیازهای زمان و مکان نیز در آن بررسی گردد، با فطرت انسانی سازگاری خواهد داشت.

نکته بعدی اینکه فقه نسبت به همه نیازها فراگیر است و همه نیازهای بشری را تأمین می‌کند و این طور نیست که با پیشرفت علوم، فقه جوابگوی نیازهای تازه نباشد و علاوه بر آن شمول فقه نسبت به دو حوزه فرد و اجتماع که در واقع وجه تمایز فقه اسلامی با فقه یهود و نصاری در این است. فقه اسلامی فقه فردی نیست و اجتماعی است که در همین جلد هم بحث فقه و حکومت بررسی گردیده است و بدون تشکیل حکومت نمی‌توان بسیاری از ابواب فقهی را به انجام رساند، بنابراین، بخشهای

یکی از اهداف

تألیف این

دایرةالمعارف، اثبات

برتری فقه اسلامی

بر قوانین وضعی و

مذهب یهودیان و

نصرانیان. در ارتباط

با این موضوع نه

تنها مقایسه‌ای بین

مذاهب مختلف

صورت گرفته

است؛ بلکه قصد

داریم تا به بررسی

حقوقهای وضعی

(بین‌المللی) و

مذهب یهود و

نصاری، هم در

بخشهای فقه و

قانون بپردازیم.

اگر چه ما هنوز

نتوانستیم اساتیدی

که بتوانند به طور

تطبیقی به بررسی

مسائل مربوط در

زمینه یهود و نصارا

بپردازند، بیابیم



با توجه به اینکه فقه اسلامی انعکاسی از برتری خالق عقل بر عقل است، اما حقوق وضعی فقط براساس عقل و خرد نوشته می‌شود و با توجه به اینکه در علم کلام ثابت شده است که خرد و عقل به تنهایی برای هدایت بشر کافی نیست؛ پس باید حتماً وحی هم باشد بنابراین، فقهی که ریشه وحیانی داشته باشد بالتبع برتریهایی نیز نسبت به حقوق وضعی خواهد داشت

اجتماعی در فقه بسیار زیاد است که حتی ما در نماز می‌گوییم: «ایاک نعبد» و نمی‌گوییم «ایاک أعبد» یعنی تأکید بر این امر وجود دارد که در دین نگاه به جامعه و نگاه به دیگران بسیار حائز اهمیت هست و این گونه نیست که انسان به تنهایی مد نظر باشد. بنابراین، اصل در نماز، جماعت هست. که اینها بیانگر آمیختگی فقه اسلامی با جامعه است. نکته دیگر آمیختگی فقه با اخلاق که امتیاز بسیار بزرگی برای فقه اسلامی محسوب می‌گردد، در حالی که حقوق وضعی چنین نیست؛ بلکه خشک و جامد است و صرفاً یک چیز را بیان می‌کند و مثلاً می‌گوید کسی که چنین کرده، جریمه‌اش این است، اما در فقه اسلامی که قرآن منشأ اساسی آن است، مثلاً در بحث قصاص که آن قدر مهم هست در آخر پس از بیان حکم، انسان را به بخشش تشویق می‌کند و نمونه‌های دیگر که بیانگر آمیختگی فقه با اخلاق است و اگر ما می‌توانستیم این را به جهان عرضه کنیم، امتیاز بسیار بزرگی بود. هدف دیگر، معرفی فقه غنی اهل بیت(ع) به جهان اسلام است که تا به حال فرصتی پیش نیامده بود تا فقه اهل بیت به جهان اسلام عرضه شود. اعتقاد ما بر این است که فقه اهل بیت، غنای ویژه‌ای دارد که به بررسی این ویژگیها در همین کتاب، پرداخته است. و قصد ما این است که این غنا را به جهان اسلام معرفی کنیم که یکی از نکته‌های مهم آن انفتاح باب اجتهاد هست، چون در میان اهل سنت، قرن‌ها باب اجتهاد، محصور به چهار پیشوای فقهی شده بود. البته از زمان شیخ محمد عبده به بعد در مصر این حرکت آغاز شده و امروزه گسترش پیدا کرده است و می‌گویند که باید برگردیم به سلف صالح یا به

قرآن یا حتی بالاتر صحابه و در صدد بررسی نظریات آنان برآییم و نباید خود را فقط محصور نظریات مؤسسان مذاهب فقهی بکنیم. البته در فقه شیعه باب اجتهاد از همان ابتدای افتتاح بوده است. هدف دیگر راهکاری عملی برای وحدت اسلامی است به این گونه که به بررسی نظریات مذاهب خمس می‌پردازیم و محترمانه و دقیق به بیان آنها می‌پردازیم. اما در اصل ما می‌خواهیم این را بیان کنیم که اختلاف بین مذهب شیعه و مذاهب اربعه تا حدی شبیه اختلاف بین مذاهب اربعه در مسائل فقهی آنان است که البته این یک حقیقت است و ما می‌بینیم مباحثی که ما مطرح می‌کنیم به مباحث مذاهب اربعه بسیار نزدیک است و این یک راهکار عملی برای تقرب است و وقتی این به جهان اسلام عرضه شود، بسیاری از حساسیتها و سوء تفاهمها از بین می‌رود. هدف دیگر ما اثبات کارساز بودن فقه در عصر و زمان حال است و در صدد بیان این امر که فقه با پیشرفت علم نیز می‌تواند جوابگوی نیازهای انسان باشد و در هر جلد هم آن را اثبات می‌کنیم با توجه به اینکه آیت‌الله مکارم شیرازی تأکید بر مورد توجه خاص قرار دادن مسائل دارند. هدف دیگر، نگارش موضوع فقهی به روش نوین هست که روشی تازه هست که تمام مذاهب مد نظر قرار بگیرد. البته فقهای اهل بیت(ع) در زمان شیخ طوسی، علامه حلی و محقق حلی کتابهایی به این سبک داشتند اما بعدها دیگر به این صورت کار نشد و امروزه هم کتابهایی که نگارش شده است یا اصلاً به فقه اهل بیت(ع) نپرداخته یا بسیار جزئی پرداخته‌اند. هدف دیگر ما این است که بتوانیم با این



کار یک قدرت استنباط به شیوه تازه در طلاب و اساتید بارور کنیم، یعنی با انجام این مراحل از نوشتن یک مقاله تا چاپ آن طبعاً محققى که چندسال به این صورت کار کند، در پایان در حد یک مجتهد است و آن هم نه مجتهدى که فقط بر مذهب شیعه تسلط دارد؛ بلکه مجتهدى که بر دیگر مذاهب هم تسلط دارد.

— استاد رافعى: این محققینى که فرمودید فقط از مجتهدین هستند؟
استاد داودى: خیر، بعضیها در حال اتمام اجتهاداند و بعضیها هم مجتهداند.

— استاد رافعى: آیا در میان محققین این اثر، افراد دانشگاهی هم وجود دارند؟
استاد داودى: بله، بعضی از محققین دانشگاه، که رویکرد حوزوى هستند نیز جزو محققان این اثراند مانند: دکتر ارسطو که دکترای حقوق خصوصى از دانشگاه تهران دارند.

— استاد رافعى: در جلد دوم چه مباحثی مطرح خواهد شد و به چه صورت خواهد بود؟

استاد داودى: برخلاف سایر دایره‌المعارفها که الفبایى هستند، نظر آقای مکارم این است که این دایره‌المعارف به صورت ابوابی نوشته شود و قصد داریم که اول مباحثی را مطرح کنیم که نیاز به آن در جامعه بیشتر است؛ چون شاید مجال آن را نیابیم تا خودمان تمام مباحث را بررسی کنیم و می‌خواهیم که این بنیان را بگذاریم تا دیگران در صدد تحقیق مسائل برآیند؛ لذا با توجه به وضعیت حال، اساسی‌ترین نیاز جامعه ما مربوط به مسائل اقتصادى است و باید به این امر بپردازیم که اسلام در مورد مسائل اقتصادى جدید مانند: خرید و فروش اینترنتى و... چه نظرى دارد. در این مورد حدود بیست مقاله که مبانى مسائل اقتصادى محسوب می‌گردد، نوشته شده است مانند: (۱) خطوط اصلی اقتصاد اسلامى (۲) آیا اسلام نظام اقتصادى دارد یا خیر؟ (۳) آیا توسعه کشور یا جامعه اسلامى، تناقضى با زهد دارد (۴) راهکارهای توسعه کشور در زمینه‌های اقتصادى در اسلام و... اینها برخی از مبانى مهم اقتصادى بود که در جلد دوم بررسی خواهد شد.

و بعد به بررسی مباحث اقتصادى مانند: بیع، خيارات، غش و... خواهیم پرداخت که در این مباحث هم مسائل تازه‌ای ارائه شده است.

— استاد رافعى: از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، سپاسگزاریم.
— استاد داودى: من هم برای شما آرزوى موفقیت دارم.

برخلاف سایر دایره‌المعارفها که الفبایى هستند، نظر آقای مکارم این است که این دایره‌المعارف به صورت ابوابی نوشته شود و قصد داریم که اول مباحثی را مطرح کنیم که نیاز به آن در جامعه بیشتر است؛ چون شاید مجال آن را نیابیم تا خودمان تمام مباحث را بررسی کنیم و می‌خواهیم که این بنیان را بگذاریم تا دیگران در صدد تحقیق مسائل برآیند؛ لذا با توجه به وضعیت حال، اساسی‌ترین نیاز جامعه ما مربوط به مسائل اقتصادى است و باید به این امر بپردازیم که اسلام در مورد مسائل اقتصادى جدید مانند: خرید و فروش اینترنتى و... چه نظرى دارد

